

نقش محبت در آینده کودک

تحقیق و مطالعات دامنه دار روانشناسان و جامعه شناسان، نشان داده است که مهر و محبت پدر و مادر، نسبت به فرزندان، در رشد و پرورش شخصیت آنان اثر چشمگیری دارد، زیرا کودک از همان آغاز زندگی تشنهٔ محبت است و چندان توجهی ندارد که در کاخ زندگی میکند یا در کوخ، لباس و خوراکش مرتب است یا نه، اما بدین موضوع توجه کامل دارد که : دوستش میدانند یا نه ؟ این احساس درونی را هیچ چیز جز محبت و نوازش پدر و مادر تأمین نمیکند، سرچشمهٔ اخلاق و شخصیت آینده او همین اظهار محبتها است، همین آغوش گرم مادر، و نوازشهای صمیمانهٔ پدر است، که روح بشر دوستی و علاقه به ممنوع را در کودک میدمد و برای اظهار همدردی و کمک بدیگران آماده میسازد، در سایه این محبتها است که کودک در خود احساس شخصیت میکند و خویش را لایق دوستی میدانند، محبت پدر و مادر در جسم و جان کودک اثر میگذارد و در وی ایجاد آرامش میکند، دامان نشان میدهد که هشتاد درصد مادران بطور غریزی نوزاد خود را در طرف چپ خود میخوابانند، صدای قلب مادر اعصاب نوزاد را آرام کرده او را به خواب خوش و شیرینی فرو میبرد، بطور تجربی نشان داده اند که حتی صدای قلب مادر روی نوار ضبط صوت در کودک ایجاد آرامش و خواب میکند، (۱)

* * *

کودکی که از نظر محبت کم و کسر داشته باشد مبتلا به بیماری (کمبود محبت) شده معمولاً ترسو، خجول، ضعیف، بدبین، گوشه گیر، و بی علاقه و پژمرده و حتی مریض بازمیآید و کودکانی که بر اثر اختلافات خانوادگی از آغوش گرم مادر و محبتهای پدر محروم بوده، از شیر خوار گاهی به شیر خوار گاه دیگر و از دایه ای به دایه دیگر سپرده شده اند دچار بیماریهای شدید روانی گشته و معمولاً میل به خودکرائی و قیافه ای غمگین و احیاً آلبخندی مصنوعی بر روزها آرام و بی تفاوت در گوشه ای می نشیند، و قیافه ای غمگین و احیاً آلبخندی مصنوعی بر لب دارد، و در بیشتر آنها احساسات بشری وجود ندارد زیرا آنان طعم شیرین محبت را نچشیده اند،

آماري که از بیمارستان روانی کودکان گرفته شده است، حقائق وحشت آوری را نشان میدهد، در این بیمارستان، کودکانی بستری شده اند که در برخورد اول انسان تصور میکند که

به کمبود شده عقلانی مبتلا میباشند و یا کربال هستند. اما در حقیقت این کودکان، به هیچ نوع بیماری جسمی دچار نمیباشند، اینها قربانیان کمبود محبت هستند که در اثر ضربه روحی ناشی از جدائی از محیط خانوادگی به این حال افتاده اند (۱)

(دانشمندانی که درباره پرورش کودکان مطالعه میکنند، پانزده کودک را که از ده ماهگی بمدت سه سال در پرورشگاه مخصوص پرورش یافته بودند با پانزده کودک دیگر که در خانه و تحت نظر پدر و مادر بزرگ شده بودند، مقایسه کرده باین نتیجه رسیدند که دسته اول علاوه بر اینکه از نظر انس و علاقه و آشنائی با محیط عقب افتاده تر از دسته دوم بودند، ضریب هوش آنها که بنام: آی - کیو (I. Q) نامیده میشود در حدود ۶۸ درصد بود در صورتیکه از کودکان دسته دوم صد درصد بود.

درباره تأثیر محبت در رشد قوای جسمانی، نیز دانشمندان با تجربیات خود، روی ۱۰۸ کودک باین نتیجه رسیده اند که کودکان محروم از محبت پدر و مادر، دیرتر از کودکان عادی برآه میافتند، دیرتر می نشینند، دیرتر می ایستند، دیرتر بزبان می آیند و دیرتر جمله سازی میکنند و به هر حال ثابت شده که کودکان درسه ساله اول زندگی، اگر دور از مادر پرورش یابند گرفتار تأخیر رشد جسمانی، روانی، و روحی میشوند و اولین نشانه آن تأخیر در تبسم کردن است، بطوری که کودکان بطور طبیعی در دو ماهگی تبسم میکنند و مادر و پدر را مسرور میسازند. (۲)

کسانیکه به بیماری کمبود محبت مبتلا میشوند، گاهی ممکن است دست به اعمال جنایتباری بزنند تجربیات دقیق دانشمندان بخوبی نشان داده که عده جانپان و دزدان و گانگسترها در میان جوانانی که محروم از محبت مادری بوده اند بیشتر از سایرین دیده شده است. کسانیکه در مجالس، مظلومترین افراد را بیاد استهزاء و مسخره میکینند، غالباً از محبت پدر و مادر محروم بوده و چه بسا تحقیر میشده اند، اینها مبتلا به عقده حقارت هستند و میکوشند آنها جبران کنند.

فرار جوانها بخارج، به بهانه تحصیل، نوپرستی و تغییر فرم و خود آرائی، تظاهرات بی معنا و حتی ابتلا به سبکدار و الکل آنان فقط برای شناساندن آن «من» تحقیر شده دوران کودکی است که از بی مهری پدر و مادر بآنان رسیده است.

یکی از روانشناسان میگوید: اولین کسانیکه خریدارندهای جدید و تغییر لباس و

خود آرائی های زنده هستند، همان تحقیر شدگان دوران کودکی میباشند. (۳)

(۱) - اطلاعات هفتگی ش ۳۵۳۵

(۲) هنر زن بودن

(۳) - ، ، ص ۸۲

بعضی از پدران و مادرانیکه برای جلب منافع مادی و با عیاشی‌ها و جبران حقارت‌های قبلی و بهانه‌های دیگرشانه از وظیفهٔ خطیر خویش خالی کرده کودکان را می‌کنند شایسته نامی جز «جنایتکار» نمی‌باشند. اغلب این مادران شکایت میکنند که هنگامیکه از کار روزانه برمیگردند فرزند خود را ناراحت و عصبی می‌یابند و از این‌که شیها آرام ندارند شاکتی هستند، گمان میکنند که فرزندانشان مبتلای یک نوع بیماری هستند، در صورتیکه این کودکان از هیچ بیماری روحی و جسمی رنج نمی‌برند، بلکه در آنها احساس کمبود محبت مادر است. کودکی که هنگام روز مادر را در کنار خود نمی‌یابد، شب هنگام به جبران آن برمیخیزد. (۱)

آری محبت‌ها و بوسه‌های پر مهر پدر و مادر است که بخوبی میتواند از دوران کودکی نهال عتو و مهر با نی را در قلب فرزندان بکار د و بارور سازد تا در بزرگی چون چراغی بدخشد و نور افشانی کند و بازی‌های پدر و ندانم کاری‌ها و ترک خانه و آشپزخانهٔ مادر است که کودکان را گرفتار عقده‌های روحی کرده اجتماعی را با تش می‌کشند و افرادی چون هینلر را بوجود آورده که با عقدهٔ حقارت دنیا را بخاک و خون میکشند.

* * *

اسلام که آئین محبت است و عواطف عالی بشری را پرورش میدهد و دل بی‌مهر را مرکز شراره‌های آتش و موجب قهر خدای مهربان میداند، سفارش‌های فراوانی در این زمینه فرموده تا آنجا که پدر و مادری مهر را اهل عذاب و آتش دانسته است (مردی به محضر پیامبر اسلام (ص) شرفیاب شد ضمن گفتگو با آنحضرت، اظهار داشت: من هرگز فرزندان خود را نبوسیده‌ام پیامبر اسلام که دلی لبریز از محبت در سینه داشت، از شنیدن این سخن شگفت. آمیز آنچنان متأثر شد که پاسخ آنمرد را داد تا هنگامیکه آنمرد از محضر رسول اکرم (ص) باز میگشت، پیامبر رحمت، در حالیکه آثار شگفتی و اندوه از سیمای مبارکش نمایان بود رو باصحاب نموده فرمود: این مرد از نظر ما مردی جهنمی است!) (۲)

از نظر اسلام محبت فروغ جاودانه و نسیم روحبخش بهشتی است که از لطف و رحمت الهی سرچشمه گرفته و دلیکه کانون محبت است گوشه‌ای از بهشت برین است. امام صادق (ع) فرمود: (فرزندان خود را بسیار ببوسید که در مقابل هر بوسه‌ای بدرجه‌ای در بهشت ارتقاء می‌یابید) (۳)

اسلام به اندازه‌ای به این موضوع اهمیت داده است که محبت به فرزندان را جزء ایمان

(۱) - اطلاعات هفتگی ش ۱۵۳۵

(۲) وسائل ج ۳ آداب المشرف

(۳) ، ، ، (۳)

دانسته و افرادی را که نسبت به فرزندان مهر نمی‌ورزند جزء مسلمانان نمی‌شمارد. ۱ (شخصی بنام اقرع بن حابس دید؛ که پیامبر اکرم (ص) دست فرزند خویش حسن (ع) را میبوسد، عرضه داشت: من دارای ده فرزند هستم و هرگز آنان را نبوسیده‌ام! پیامبر (ص) فرمود: اگر خدا فروغ محبت را از قلب تو برداشته بمن مربوط نیست، (اما بدان که) هر کس بزرگان را احترام نکند و به کودکان محبت و ترحم ننماید از ما نیست!) (۱)

گاهی پیامبر اسلام (ص) در حال نماز بود موقعی که آنحضرت سر بسجده می‌نهاد، فرزند کوچکش حسین (ع) سوار بر دوش او میشد و او سجده را طول میداد و سپس به آرامی او را بزمین می‌نهاد؛ مردی یهودی از این عمل پیامبر اسلام (ص) انتقاد کرد و گفت: ما از این کار امتناع داریم، آنحضرت فرمود: شما هم اگر به خدا و رسول ایمان داشتید بکودکان محبت میکردید و با آنان مدارا مینمودید. (۲)

رسول اکرم (ص) غیر از آنکه عملاً درس محبت بجهانیان میداد، بارها سفارش میکرد که: فرزندان خود را گرامی بدارید و نیکو تربیتشان نمائید. (۳) و باز فرمود: به کودکان محبت کنید و به آنان ترحم نمائید و هر گاه وعده‌ای به آنان دادید بوعده خویش وفا کنید. آنان چنین می‌پندارند که شما آنان را روزی میدهید. (۴)

و بارها میفرمود: هر کس فرزند خود را ببوسد خدا برای او حسنه‌ای مینویسد و هر کس فرزندان خود را مسرور و خوشحال سازد، خدای جهان او را در قیامت مسرور خواهد ساخت (۵)

هم چنانکه خود آن سرور کراراً فرزندان خویش را میبوسید و آنقدر با آنان تفریح میکرد که مسرور گشته می‌خندیدند (۶) و نیز آن حضرت روزی فرزندش حسین (ع) را دید که با دوستانش بازی میکند، دست دراز کرد تا او را بگیرد؛ حسین (ع) به این طرف و آنطرف فرامی‌گردد، پیمبر (ص) آنقدر او را خندانند تا او را گرفت، آنگاه یک دست زیر چانه و دست دیگر را پشت گردن او نهاد و لبهای او را بوسید... (۷)

و بارها دست حسن و حسین (ع) را میگرفت و آرام آرام بلند میکرد تا موقعی که بسینه آنحضرت میرسیدند، صورت آنها را میبوسید و میگفت: خدایا بمن فرزندانم را دوست میدارم (۸) و محبت و علاقه عجیب آن سرور به دخترش فاطمه زهرا (ع) معروف و مشهور است.

(۱) بحار ج ۴۳ ص ۲۸۲

(۲) « « ص ۲۹۶

(۳) بحار ج ۲۳ ص ۱۱۴

(۴) محجة البیضاء آداب الصحبة والمعاشره ص ۲۲۷ . (۵) مدرك قبلی

(۶) بحار ج ۴۳ ص ۲۴۰

(۷) « « « ص ۲۷۱

(۸) « « « ص ۲۸۵